

سوره اعراف مکی است و آن دو صد و شش
آیه و بیست و چهار رکوع است



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْمَعْصِ ۱

كُنْتُ أَنْزِلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِنْهُ
إِن تُذِرْهُمْ وَيُذَكِّرُوا الْمُؤْمِنِينَ ۲

إِتَّبِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ
دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ۳

وَكَمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا
أَوْ هُمْ قَائِلُونَ ۴

فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بِأْسُنَا إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا
ظَالِمِينَ ۵

فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ ۶

فَلَنَقْصَنَّ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ۷

وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ بِالْحَقِّ كَمَنْ تَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ

بنام خدا بخشاینده مهربان .

الْمَعْصَى (۱) .

این کتابیست که فرودآورده شد بسوی
تو پس باید که نباشد در سینه تو هیچ تنگی
از تبلیغ او فرودآورده شد تا بیم کنی بآن
و برای پند مسلمانان را (۲) .

پیروی کنید آنرا که فرودآورده شد بسوی
شما از جانب پروردگار شما و پیروی
مکنید بجز وی دوستان را (۱) اندکی
پند می پذیرید (۳) .

و بَسَادِهِ که هلاک کردیمش پس آمد بوی
عقوبت ما و ایشان شبانگه آرمیده بودند
و قتی که ایشان در خواب نیم روز بودند
(۴) .

پس نبود قول ایشان چون بیامد بایشان
عقوبت ما الا آنکه گفتند هر آینه
ما ستمگار بودیم (۵) .

پس البته سوال خواهیم کرد آن کسانی را
که پیغامبر فرستاده شد بسوی ایشان و
البته سوال خواهیم کرد پیغامبران را (۶) .

پس البته بیان خواهیم کرد بحضور ایشان (۷)
بدانش و نبودیم غائب (۷) .

و سنجیدن اعمال بانصاف آن روز بود نیست

(۱) یعنی معبودان باطل که دوست می گرفتید و الله اعلم .

(۲) یعنی همه اعمال ایشان را .

قَالُوا لَيْسَ لَهُمُ الْهَيْكُولُ ①

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ قَالَ لِيكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ
بِمَا كَانُوا يَآيِتُونَ ②

وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ
قَالُوا لَمَا نَشْكُرُونَ ③

وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا
لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ④

قَالَ مَا مَنَّكَ إِلَّا أَنْعَمْتُ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي
مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ ⑤

قَالَ فَأَهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ
مِنَ الصَّغِيرِينَ ⑥

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ⑦

قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ⑧

قَالَ يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا
رَغَدًا مِمَّا شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا
فِيهَا مِنَ الْمَكْرُومِينَ ⑨

ثُمَّ أَنْزَلْنَاهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِمْ وَعَن يَمَانِهِمْ وَعَن

پس هر که گران شد پله نیکی های او پس
ایشانند رستگار (۸) .

وهر که سبک شد پله نیکی های او پس
آنجماعت آنانند که زیان کردند در حق
خویشان بسبب آنکه آیات ما انکار می
کردند (۹) .

و هر آئینه استقرار دادیم شمارا در زمین
و پیدا کردیم برای شمارا آنجا اسباب
معیشت اندکی شکر می کنید (۱۰) .

و هر آئینه آفریدم شمارا (یعنی پدر شمارا)
باز صورت بستیم شمارا (یعنی
پدر شمارا) باز گفتیم به فرشتگان که
سجده کنید آدم را پس سجده کردند مگر
ابلیس نبود از سجده کنندگان (۱۱) .

گفت خدا چه چیز منع کرد ترا از آنکه سجده
کنی وقتیکه امر کردم ترا گفت من بهترم
از تو آفریدی مرا از آتش و آفریدی او را از گل
(۱۲) .

گفت پس فرود رو از آسمان زیرا که لائق
نیست ترا که سرکشی کنی در آن پس بیرون
شو هر آئینه تواز خوار شوندگانی (۱۳) .

گفت بار الهامهلت ده مرا تاروزیکه آدمیان
برانگیخته شوند (۱۴) .

گفت خدا هر آئینه تو از مهلت داده شدگانی
(۱۵) .

گفت پس بسبب آنکه گمراه کردی مرا البته
به نشینم برای آدمیان براه راست تو یعنی
تا از آن منع کنم (۱۶) .

پس البته بیایم بسوی ایشان از پیش ایشان

وازیس پشت ایشان وازجانب راست ایشان وازجانب چپ ایشان و نیابی اکثر ایشان را شکر گذار (۱۷) .

گفت بیرون رواز آسمان نکوهیده رانده شده بخداهرکه پیروی کند ترا از آدمیان البته پُرکنیم دوزخ را از شما همه یکجا (۱۸) .

و گفتیم ای آدم ساکن شوتو و زن تو در بهشت پس بخورید از هر جاکه خواهید و نزدیک مشوید باین درخت که خواهید شد ازستمگاران (۱۹) .

پس وسوسه داد ایشان را شیطان تا آشکارا گرداند برای ایشان آنچه پوشیده بود از نظر ایشان از شرم گاه های ایشان گفت منع نکرده است شمارا پروردگار شما ازین درخت مگر برای احتیاط از آنکه شوید دوفرشته یا شوید از جاوید باشنلگان (۲۰) .

و قسم خورد برای ایشان که من از نصیحت کنندگانم شمارا (۲۱) .

پس بسوی پستی انداخت ایشانرا بفریب دادن پس چون چشیدند آن درخت را ظاهر شد ایشان را شرمگاهای ایشان و شروع کردند که برگی بالای برگی می چسپانیدند برخویش از برگ درختان بهشت و ندا کرد ایشان را پروردگار ایشان که آیا منع نکرده بودم شمارا ازین درخت و نه گفته بودم به شما که هر آئینه شیطان شمارا دشمن آشکار است (۲۲) .

سَاءَ لِيَوْمَهُمْ وَلَا يَجِدُوا لَهُمْ شُكْرِينَ ⑩

قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا لَنْ نَبْعَثَكَ مِنْهُمْ اَرَا لَنْ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ اَجْعَبِيْنَ ⑪

وَيَا اٰدَمُ اسْكُنْ اَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِيْنَ ⑫

فَوَسَّسَ لَهَا الشَّيْطٰنُ لِيُبْدِيَ لَهَا مَا وَّرٰى عَنْهَا مِنْ سَوَآئِهَا وَقَالَ لَهَا لِمَا رَبَّبَكَ هَذِهِ الشَّجَرَةُ ⑬
اَلَا اَنْ تَكُوْنَا مَلَكَئِيْٓمًا اَوْ تَكُوْنَا مِنَ الْغٰلِيِيْنَ ⑭

وَقَالَتْ لِمَا لِيْٓنَ النَّصِيْحِيْنَ ⑮

فَدَلَّهُمْ اٰمِرًا وَّوَقَعْنَا اٰنَا الشَّهْرَةَ بَدَلًا لِمَا سَوَّآئْتُمَا وَطَفِقًا يَخِصْفِيْنَ عَلَيْهِمْ اَمِنْ وَّرَقِي الْجَنَّةِ وَنَادَا لَهَا اَلَمْ اَنْهَيْكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَاَقُلْ لِمَا لِيَ الشَّيْطٰنِ لِمَا عَدُوْمِيْنَ ⑯

گفتند ای پروردگار ماستم کردیم برخویش
و ا گرنیامری ما را ومهربانی نکنی بر ما
البته از زیان کاران باشیم (۲۳) .

گفت خدافروروید بعض شمامبعضی
رادشمن خواهد بود وشمارادر زمین
استقرار وبهره مندی باشد تاوقتی معین
(یعنی تامرگه) (۲۴) .

گفت خدادرزمین زندگانی خواهید کرد و
درآنجاخواهید مرد وازآنجا بیرون آورده
شوید (۲۵) .

ای فرزندان آدم هرآئینه مافرودآوردیم
برشما لباسی که ببوشد شرمگاه شمارا
وفرودآوردیم جامه های زینت را ولباس
پرهیزگاری وی ازهمه بهتراست این
ازنشانه های خداست تاایشان
پندپذیرشوند (۲۶) .

ای فرزندان آدم گمراه نکند شمارا شیطان
چنانکه بیرون آورد پدر ومادر شمارا
ازبهشت برمی کشید ازایشان جامه ایشان
را تابنماید ایشان را شرمگاه ایشان
هرآئینه شیطان وقوم اومی بینند
شماراازآن جاکه شما نه می بینید ایشانرا
هرآئینه ماساختیم شیاطین را کار گذار
کسانیکه ایمان ندارند (۲۷) .

وچون بکنند کارزشت گویند یافتیم برین
کارپدران خودرا وخدافرموده است مارابآن
بگوهرآئینه خدانمی فرماید بکارزشت
آیامی گوئید برخدا آنچه نمی دانید (۲۸) .

قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ
الْخَاسِرِينَ ﴿۳۳﴾

قَالَ أَهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ
مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿۳۴﴾

قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِمَّا تَخْرُجُونَ ﴿۳۵﴾

يَبْنَیٰۤی اٰدَمَ قَدْ اَنْزَلْنَا عَلَیْكُمْ لِبَاسًا یُّؤْتِرُنِی سَوَآءِیْکُمْ وَرِیْثًا
وَلِبَاسَ التَّقْوٰی ذٰلِکَ خَیْرٌ ذٰلِکَ مِنْ اٰیٰتِ اللّٰهِ لَعَلَّکُمْ
یَتَذٰکُرُوْنَ ﴿۳۶﴾

یَبْنَیٰۤی اٰدَمَ لَا یَفْتِنَنَّکُمُ الشَّیْطٰنُ کَمَا اَخْرَجَ اٰبَآءَکُمْ مِنَ الْجَنَّةِ
یَتَزَوَّجُکُمْ عَلَیْ سَآءِیْمٍ لِّاِنَّکُمْ کَانَتُمْ هُوًّا وَقِیْلُهُ مِنْ
حَیْثُ لَا تَرَوْنَہُمْ اِنَّا جَعَلْنَا الشَّیْطٰنَ اَوْلَیَآءَ لِلَّذِیْنَ
لَا یُؤْمِنُوْنَ ﴿۳۷﴾

وَإِذْ أَعْلَوْا فَاجْتَنَّبُوا وَابْتَدَأَ عَلَيْهَا فَأَبَدْنَا وَاللَّهُ بِأَمْرِنَا
بِعَمَلٍ قَلِيلٍ إِنَّ اللَّهَ لَإِيَّاكُمُ الْفَضْلُ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ
مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۳۸﴾

بگوهر آئینه فرموده است پروردگار من بانصاف و فرموده است که راست کنید رویهای خود را^(۱) نزدیک هر نماز و پرستید و او را برای او خالص کرده عبادت را چنانکه آفرید شمار نخست هم چنان دیگر بار خواهید شد^(۲) (۲۹) .

گروهی راه را نمود و گروهی را ثابت شد برایشان گمراهی هر آئینه شیاطین را دوست گرفتند بجز خدا و می پنداشتند که ایشان راه یافتگانند (۳۰) .

ای فرزندان آدم بگیرید زینت خود را^(۳) نزدیک هر نماز و بخورید و بیاشامید و از حدمگذرید هر آئینه خدادوست نمیدارد از حد گذرندگان را (۳۱) .

بگو کیست که حرام کرد زینت خدارا که پیدا کرده است برای بندگان خود و کیست که حرام کرده است پاکیزه هارا از رزق بگوان حرام کرده است پاکیزه هارا از رزق بگوان حرام کرده است در زندگانی دنیا^(۴) خالص شده برای ایشان روز قیامت همچنین بیان می کنیم نشانه هارا برای گروهی که می دانند^(۵) (۳۲) .

قُلْ أَمْرِي بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَاقْتِرَابِ النَّجْمِ وَأَجْزَاءِ مَا كَانُوا يَعْبُدُونَ
مَسْجِدًا وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ ﴿۲۹﴾

فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ ﴿۳۰﴾

يَبْنِي أَدَمَ حُذُوًا وَرَيْبًا عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿۳۱﴾

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿۳۲﴾

(۱) یعنی بسوی کعبه .

(۲) یعنی سروپا برهنه ختنه ناکرده محشور شوید والله اعلم .

(۳) یعنی لباس خود را .

(۴) یعنی لائق ایشانست اگرچه دیگران نیز استعمال کنند والله اعلم .

(۵) مترجم گوید درین آیت اشارت است بر مذهب رهبان یهود و نصاری و مختشین عرب که توسع را در مآکل و ملابس مکروه میداشتند والله اعلم .

بگوجزاین نیست که حرام کرده است پروردگار من بی حیائی ها را آنچه علانیه باشد از آن و آنچه پوشیده و حرام کرده است گناه و تعدی ناحق و آنکه شریک خدا مقرر کنید چیزی را که خدا هیچ دلیل بر آن نازل نکرده است و آنکه بگوئید برخدا آنچه نمی دانید (۳۳) .

وهرگروهی را میعادست^(۱) پس چون بیاید^(۲) میعادایشان تاخیر نکنند يك ساعت و نه سبقت کنند^(۳) (۳۴) .

ای فرزندانِ آدم اگر بیایند به شما پیغامبران از جنس شما می خوانند بر شما آیاتِ مرا پس هرکه پرهیزگاری کند و نیکوکاری نماید پس هیچ ترس نه باشد برایشان و نه ایشان اندوهگین شوند (۳۵) .

و کسانی که بدروغ نسبت کردند آیاتِ ما را و سرکشی کردند از قبول آنها ایشان بندگان دوزخ اند ایشان آنجا جاویدان اند (۳۶) .

پس کیست ستمگار تراز کسی که بر بست بر خدا دروغ رایا بدروغ نسبت کرد آیاتِ او را آن جماعت برسد بایشان بهره ایشان از آنچه نوشته شد در لوح محفوظ^(۴) تا وقتی که چون بیایند نزدیک ایشان

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ ۖ وَاِلَّا ذَٰلِكَ
وَالْبَغْيَ يَعْتَدِ الْفَاسِقُونَ ۖ إِنَّ كُفْرًا بِاللهِ مَا لَهُمْ بِئِزَابِهِ سُلْطَانًا
وَإِنْ تَقُولُوا عَلَى اللهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۳۳﴾

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ ۖ وَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْذِنُونَ سَاعَةً
وَلَا يَسْتَعْتَبُونَ ﴿۳۴﴾

يَبْنَئِي أَعْمَارًا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنُوا عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
اتَّقُوا وَالصَّلَاةَ فَلَا تَخُونُوا عَلَيْهَا وَلَا تَكُونُوا يَخُونُونَ ﴿۳۵﴾

وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْبَبُوا أَوْلِيَاءَهُمْ ۚ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ
هُمُ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۳۶﴾

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ
أُولَٰئِكَ يَتْلَوْنَ نَجْمَهُمْ فِيهِمْ مِنَ الْكِتَابِ ۚ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ
رُسُلُنَا يَكْفُرُونَ لَهُمْ قَالُوا لَوْ أَنَّا مِثْلُكُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ
مِن دُونِ اللهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ

(۱) یعنی وقتی معین است برای هلاک ایشان والله اعلم .

(۲) یعنی نزدیک شود .

(۳) یعنی برزبان حضرت آدم چنانکه درسوره بقره اشارت رفت والله اعلم .

(۴) یعنی نعمت و نعمت که مقدر شده در دنیا بایشان برسد والله اعلم .

كَانُوا كَافِرِينَ ﴿۳۷﴾

فرستادگان ما تا قبض ارواح ایشان کنند گویند کجاست آنچه شما می پرستیدید بجز خدا گویند گم شدند ایشان از ما و معترف شدند بر خویش باین که ایشان کافر بودند (۳۷) .

حکم کند خدا که داخل شوید همراه امتانی که گذشته اند پیش از شما از جن وانس در آتش هر گاه که در آید قومی لعنت کند قوم دیگر مانند خود را تا وقتی که چون به یکدیگر برسند در دوزخ همه یکجا گوید جماعت متاخر از ایشان در حق جماعت متقدم از ایشان ای پروردگارا ما را پس بده ایشان را عذاب گمراه کردند ما را پس بده ایشان را عذاب دوچند از دوزخ فرماید خدا هر یکی را دوچند است ولیکن نمی دانید^(۱) (۳۸) .

و گویند جماعت متقدم از ایشان جماعت متاخر را از ایشان پس نیست شمارا هیچ بزرگی بر ما پس بچشید عذاب را بسبب آنچه می کردید (۳۹) .

هر آینه کسانی که بدروغ نسبت کردند آیات ما را و سرکشی کردند از قبول آن هرگز کشاده نه شود برای ایشان دروازه های آسمان و در نیایند به بهشت تا وقتی که داخل شود شتر در سوراخ سوزن^(۲) و همچنین جز امیدهیم گناهگاران را (۴۰) .

قَالَ ادْخُلُوا فِي آسَمِهِمْ قَدْ خَلَعْتُمْ مِنْ قِبَلِكُمْ مَنْ أَلْبَسَكُمْ مِنَ الْإِنْسِ فِي النَّارِ لَوْلَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتُ آخِثِمَا حَتَّىٰ إِذَا دَاخَلُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُحْرِقُهُمْ وَأُؤَلِّمُ رَبِّيَاهُمْ أَفَلَا أَصَلُّونَا قَالُوا بَلَىٰ عَدَابًا ضَعِيفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَلَكِنْ أَفَعَلَكُمُونَ ﴿۳۸﴾

وَقَالَتْ أُولَئِكَ لَئِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ قَدْ خَلَعْتُمْ عَنْكُمْ عِلْمَ تَمِيمٍ قَالُوا قَدْ خَلَعْنَا عَنْكُمْ آخِثِمَا حَتَّىٰ إِذَا دَاخَلُوا فِيهَا قَالُوا لَوْلَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتُ آخِثِمَا حَتَّىٰ إِذَا دَاخَلُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُحْرِقُهُمْ وَأُؤَلِّمُ رَبِّيَاهُمْ أَفَلَا أَصَلُّونَا قَالُوا بَلَىٰ عَدَابًا ضَعِيفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَلَكِنْ أَفَعَلَكُمُونَ ﴿۳۹﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْحَقِّ آخِثِيمًا وَأَسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَجَّمُونَ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ ﴿۴۰﴾

(۱) یعنی تابعین را عذاب کفر تقلید و متبوعین را عذاب ضلال و اضلال والله اعلم .

(۲) یعنی محال است والله اعلم .

ایشان را ازدوزخ فرس بُود و از بالای
ایشان ازدوزخ پوشش‌ها باشد و همچنین جزا
می‌دهیم ستمگاران را (۴۱) .

و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شائسته
کردند تکلیف نمی‌دهیم هیچکس را
مگر به قدر طاقت او آنجماعت باشندگان
بهشت اند ایشان آنجا جاویدان باشند
(۴۲) .

و بیرون آریم آنچه در سینه‌های ایشان بُود
از کینه^(۱) می‌رود زیر ایشان نهرها و گویند
سپاس آن خدا راست که دلالت
کرد ما را بسوی این بهشت و هرگز نبودیم
راه یابنده اگر راه نه نمودی ما را خدا
هر آئینه آمدند فرستادگان پروردگار
ما براستی و ندا کرده شونند که این بهشت
داده شدید آن را بسبب آنچه می‌کردید
(۴۳) .

و ندا کنند اهل بهشت اهل دوزخ را که
ما راست یافتیم آنچه وعده کرده بود به
ما پروردگار ما پس آیشما هم راست یافتید
آنچه به شما وعده کرده بود پروردگار شما
گفتند آری پس آواز کند آوازکننده ای
در میان ایشان که لعنت خدا بر آن
ستمگاران است (۴۴) .

که بازمی‌داشتند مردمان را از راه خدا

لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقَهُمْ عَوَابِقٌ ۚ كَذَلِكَ نَجْزِي
الظَّالِمِينَ ﴿۴۱﴾

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ
وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۴۲﴾

وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ فَخَيَّرْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ
وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا
أَنْ هَدَانَا اللَّهُ ۚ لَقَدْ جَاءَتْ رَسُولَنَا بِحَقٍّ وَوَدَّوْا أَنْ
يَكْفُرُوا بِالْحَقَّةِ أَوْ رَتَّبُوا بِهَا لَكُمْ سَعَمًا ۚ ﴿۴۳﴾

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا
رَبُّنَا بِحَقِّ الْفَعْلِ ۚ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا ۚ قَالُوا نَعَمْ ۚ قَالُوا
مُؤَدَّبِينَ بِهِمْ ۚ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿۴۴﴾

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

(۱) یعنی آن کینه‌ها که در دل بهشتیان باشد دورکنیم مثل آنچه میان عثمان و علی
و طلحه و زبیر و عائشه رضی الله عنهم واقع شد والله اعلم .

وَيَبْتَغُونَ عَوَجَاءَهُمْ يَالْأَعْرَابَ لَكِرُونُ ﴿٥٥﴾

وَيَدِينَهُمَا إِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَابِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلِمَاتٍ يُسْتَعْتَبُ بِهَا
وَأَذَى الْأَصْحَابِ الْجَنَّةِ أَنْ سَلِمَ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُواهَا
وَهُمْ يَطْفَعُونَ ﴿٥٦﴾

وَأَذَى هُفَّتْ أَبْصَارُهُمْ يَلْقَاءُ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا
تَجْعَلْنَا مِمَّنْ عَقَبُوا الْعُورَةَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٧﴾

وَأَذَى أَصْحَابِ الْأَعْرَابِ رِجَالًا يَمُرُّونَهُمْ بِسِينِهِمْ قَالُوا
مَا آغَيْنَا عَنْكُمْ جَعَلَكُمْ وَمَا نَكُنُّ نَسْتَكْبِرُونَ ﴿٥٨﴾

أَهْوَاءَ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ
لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٥٩﴾

وَأَذَى أَصْحَابِ النَّارِ أَصْحَابِ الْجَنَّةِ أَنْ أَيْضُوا عَلَيْكُمْ
أَلَمْ آتُواكُمْ رِزْقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنْ أَلَّفَ اللَّهُ حَرَمَهُمَا عَلَى
الْكَافِرِينَ ﴿٦٠﴾

ومی خواستند برای آن راه کجی^(۱)
وایشان بآخرت اعتقادداشتند (۴۵) .

ودر میان بهشت و دوزخ حجابیست^(۲)
و بر اعراف مردمانی باشند که می شناسند
هر یکی را از اهل موضعین بقیافه^(۳) ایشان
و ندانند اهل اعراف اهل بهشت را که
سلام علیکم هنوز به بهشت در نیامده اند
وایشان طمع آن دارند (۴۶) .

و چون گردانیده شود چشمهای اهل اعراف
به طرف اهل دوزخ گویند ای پروردگارا
مکن ما را همراه گروه ستمگاران (۴۷) .

و ندانند اهل اعراف مردانی را که می
شناسند ایشان را به قیافه^(۳) ایشان گویند
کفایت نه کرد از شما جمعیت شما و آنکه
سرکشی می کردید (۴۸) .

آیا این جماعت اند آنانکه شما قسم
می خوردید که هرگز خدا نه رساند بایشان
هیچ رحمت^(۳) گفته شد ایشان را که در آئید
به بهشت هیچ ترس نیست بر شما و نه شما
اندوهگین شوید (۴۹) .

و ندانند اهل دوزخ اهل بهشت را که
بریزید بر ما چیزی از آب یا از سائر آنچه
روزی داده است شمارا خدا گویند
هر آئینه خدا حرام ساخته است این

(۱) یعنی می خواستند به شبهات این راه را باطل سازند .

(۲) و آن مسمی با اعراف است والله اعلم .

(۳) یعنی فقراى مسلمین که کافران از ایشان حسابی نمی گرفتند والله اعلم .

هر دورا بر کافران (۵۰) .

آنانکه گرفته اند دین خود را بازی و لهو و فریب دادایشان را زندگانی دنیا پس امروز فراموش کنیم ایشان را چنانکه ایشان فراموش کردند ملاقات این روز خویش را و چنانکه انکار میکردند بآیات ما^(۱) (۵۱) .

وهر آئینه آوردیم برای ایشان کتابی که مفصل کرده ایم آثار دانش برای رهنمائی و بخشایش مومنان را (۵۲) .

انتظار نمی کنند کفار مگر مصداق این وعده را روزیکه بیاید مصداق آن گویند کسانیکه فراموش کرده بودند آنرا پیش ازین هر آئینه آمده بودند پیغامبران پروردگار ما برآستی پس آیا هستند برای ما شفیعان تا شفاعت کنند برای ما یا باز گردانیده شویم بسوی دنیا پس عمل کنیم غیر آنچه می کردیم^(۲) هر آئینه زیان کردند در حق خویشان و گم شده از ایشان آنچه افرامی کردند (۵۳) .

هر آئینه پروردگار شما آن خدا است که آفرید آسمان ها و زمین را درشش روز باز مستقر شد بر عرش می پوشاند شب رابه روز^(۳) می طلبد شب روز رابه شتاب^(۴)

الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ هُجُوعًا وَاعْبَادًا وَعَزَّوَجَزَّ هَيُوهُ الدُّنْيَا
فَالْيَوْمَ نُنَسِّمُهُمْ كَمَا نَسَّوْا الْيَوْمَ هَذَا وَمَا كَانُوا يَلْبِثُونَ
يَعْتَدُونَ ﴿٥٠﴾

وَلَقَدْ جِئْتَهُم بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً
لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٥١﴾

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ
الَّذِينَ نَسَّوْهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ
فَهَلْ لَنَا مِنْ شَفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَعْمَلٌ غَيْرَ الَّذِي
كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَبَرُوا أَنَّهُمْ وَعَصَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا
يَعْتَدُونَ ﴿٥٢﴾

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ
آيَاتٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُعْطِي الْبَيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ
حَيْثُ يَأْتِي الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَسَعْرَتٌ يَا مَوْمَةَ الْآلِ

(۱) و فراموش کردن خدا ترک ایشان است در دوزخ والله اعلم .

(۲) یعنی مسلمان شویم و بت را نه پرستیم .

(۳) یعنی گاهی اجزای شب را بلباس نهار پوشانیده در حساب نهار می گرداند والله اعلم .

(۴) یعنی از پی درآمدن شب بعد روز مشابه آنست که گویا کسی کسی را دوان

و شتابان می طلبد .

وآفرید خورشید و ماه و ستارگان را رام شده بفرمان خدا آگاه شو اوراست آفریدن و فرمانروائی بغایت بزرگ است خدا پروردگار عالمها (۵۴) .

به پرستید پروردگار خود را زاری کنان و پوشیده از مردمان هر آئینه اودوست ندارد از حدگذرندگان را (۵۵) .

و فسادمکنید در زمین بعداصلاح آن^(۱) و به پرستید اورابه ترس و امید هر آئینه بخشاش خدا نزدیک است از نیکوکاران (۵۶) .

واوست آنکه می فرستد بادها را مژده دهنده پیش از رحمت خود^(۲) تا وقتی که بردارد ابرگران را روان کنیم آن رابسوی شهری مرده پس فرودآریم بواسطه آن ابرآب راپس بیرون آریم بآن آب ازجنس هر میوه همچین بیرون آریم مردگان را^(۳) تا پند پذیر شوید (۵۷) .

وشهر پاکیزه برمی آید گیاه او بفرمان پروردگار او وزمین ناپاکیزه بر نمی آید رستنی او مگرناهموار بدیرروینده همچین گوناگون بیان می کنیم نشانه هابرای قومی که شکرگذاری می کنند^(۴) (۵۸) .

لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَرُّكَ اللَّهُ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿۵۴﴾

أَدْعُوا رَبَّهُمْ تَعَرُّعًا وَخَفِيًّا إِنَّكَ لَا تُجِيبُ الْمُتَعِدِّينَ ﴿۵۵﴾

وَلَا تُغْنِيكَ فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَأَدْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿۵۶﴾

وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا لِّبَنِي يَدَى رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا نَّفَعًا لَّ سُقْنَاهُ لِـبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَٰلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَتَذَكَّرُونَ ﴿۵۷﴾

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا تَلْدًا كَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ﴿۵۸﴾

(۱) یعنی بسبب بعثت رسول الله صلی الله علیه وسلم .

(۲) یعنی پیش از باران .

(۳) یعنی از قبور بیرون کنیم .

(۴) مترجم گوید این مثل است برای پند در قلب سلیم و عدم تاثیر آن در غیر سلیم

والله اعلم .

هر آئینه فرستادیم نوح را بسوی قوم او پس گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شمارا هیچ معبود برحق بجزوی هر آئینه من می ترسم بر شما از عقوبت روز بزرگ^(۱) (۵۹) .

گفتند اشراف از قوم او هر آئینه ما می بینیم ترادگرماهی ظاهر (۶۰) .

گفت ای قوم من نیست با من هیچ گمراهی ولیکن من پیغامبرم از جانب پروردگار عالمها (۶۱) .

میرسانم به شما پیغام های پروردگار خودونیک خواهی می کنم برای شماو میدانم از حکم خدا آنچه نمی دانید (۶۲) .

آیاتعجب کردید از آنکه آمد به شما پندی از جانب پروردگار شما (فرودمده) بر زبان مردی از شما تا بیم کند شمارا وتا پرهیزگاری کنید وتامهربانی کرده شود بر شما (۶۳) .

پس دروغگو پنداشتند آن را پس نجات دادیم اورا و کسانی را که باوی بودند در کشتی و غرق ساختیم کسانی را که دروغ پنداشتند آیات ما را هر آئینه ایشان بودند گروهی نابینا (۶۴) .

وفرستادیم بسوی قوم عاد برادرایشان هود را گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شمارا هیچ معبود برحق غیر او

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِن إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿۵۹﴾

قَالَ الْمَلَأِمُنْ هُوَ مَا إِنَّا لَنَرِيكَ فِي صَلَاتِ مُبِينٍ ﴿۶۰﴾

قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي صَلَوةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۶۱﴾

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَتِ رَبِّي وَأَنصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۶۲﴾

أَوْعَجِبْتُمْ أَن جَاءَ كُمْ ذِكْرُنَا مِن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۶۳﴾

كَذَّبُواهُ فَأُتِينَهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ وَأَعْرَفْنَا الَّذِينَ يَكْفُرُونَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ ﴿۶۴﴾

وَلِإِيَّاهِ عَادٌ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِن إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿۶۵﴾

آیا پرهیزگاری نمی کنید (۶۵) .

گفتند اشراف کفار از قوم او هراثینه مامی
بینیم ترا در بی خردی وهراثینه ما می
پنداریم ترا ازدروغگویان (۶۶) .

گفت ای قوم من نیست بامن هیچ بی
خردی ولیکن من پیغامبرم ازجانب
پروردگار عالمها (۶۷) .

میرسانم بشما پیغام های پروردگار خود من
برای شما نیک خواه بامانتم (۶۸) .

ایا تعجب کردید ازآنکه بشماپندی آمد
ازجانب پروردگار شما برمردی از شما
تا بیم کند شمارا و یادکنید آن وقت که
گردانید شمارا جانشین بعد از قوم نوح
وافزود برای شما در خلقت قوت را پس
یاد کنید نعمت های خدا را تا شمارستگار
شوید (۶۹) .

گفتند آیا آمده ای پیش ما تا عبادت کنیم
خدا را تنها وبگذاریم آنچه می پرستیدند
پدران ما پس بیار پیش ما آنچه وعید می
کنی^(۱) ما را اگر هستی از راستگویان (۷۰) .

گفت ثابت شد بر شما از جانب پروردگار
شما عقوبت وخشم آیامکابره می کنید
بامن درباره نامهای چند که شما
مقرر کرده اید آن را و پدران شما مقرر
کرده اند^(۲) فرو نیاورده است خدا بر آن

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرُكَ فِي
سَعَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَنظُرُكَ مِنَ الْكَذِبِينَ ﴿۳۱﴾

قَالَ يَقَوْمِ لَيْسَ بِي سَعَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ
رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۳۲﴾

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَإِنَّا لَكُم تَاَصِعَةٌ أَمِينٌ ﴿۳۳﴾

أَوْعَجِبُكُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ
لِيُنذِرَكُمْ وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءً مِنْ بَعْدِ
قَوْمِ نُوحٍ وَرَادَكُمْ فِي الْعَالَمِ بِعُقُوبَةِ آذِكُرُوا آلَاءَ
اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَبُونَ ﴿۳۴﴾

قَالُوا أَجئتنا لنبعد الله وحداه وندار ما كان يعبد
آبائنا وأقانتنا بما تعبدنا إن كنت من الضالين ﴿۳۵﴾

قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ
أَجْعِد لِي نَصْرِي فِي أَسْمَاءِ سَبَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَإِبَائُكُمْ مَا
نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ فَاذْكُرُوا لِي مَعَكُمْ مِنَ
الْمُنْتَظِرِينَ ﴿۳۶﴾

(۱) یعنی بیار عقوبت را .

(۲) یعنی بی اصل است .

هیچ دلیل پس انتظار کنید هر آینه من نیز همراه شما از منتظرانم (۷۱) .

پس نجات دادیم او را و کسانی را که با او بودند بمهربانی از جانب خویش و بریدیم بیخ آنانکه دروغ می پنداشتند آیاتِ ما را و نه بودند از مومنان (۷۲) .

و فرستادیم بسوی قوم ثمود برادر ایشان صالح را گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شمارا هیچ معبود بر حق غیر او هر آینه آمد به شما دلیل از جانب پروردگار شما این ماده شتر نیست پیدا کرده خدا نشانه ای برای شما پس بگذاریدش که چرد در زمین خدا و مرسانید او را هیچ بدی که آنگاه بگیرد شمارا عقوبتِ درد دهنده (۷۳) .

و یاد کنید (نعمت الهی) آن وقت که گردانید شمارا جانشین بعد از قوم عاد و استقرار داد شمارا در زمین می سازید از نرم آن کوشکها و تراشیده خانه ها می سازید کوه هارا پس یاد کنید نعمت های خدا را و تباهی مکنید در زمین فساد افکنان (۷۴) .

گفتند آن اشراف که سرکشی کرده بودند از قوم او آنانرا که هر کسی ضعیف دانست ایشان را مرکسانی را که ایمان آورده بودند از ایشان آیامیدانید که صالح فرستاده شده است از جانب پروردگار خود گفتند اهل ایمان هر آینه ما بشریعتی که وی فرستاده شده است بآن شریعت

فَأَجْبِدُهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ
الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ ﴿۷۱﴾

وَالِلَّهِ نَسُودُ أَهْلَهُمْ صَالِحًا قَالَ يُقَوْمُوا عَبْدُ اللَّهِ مَا
لَكُمْ مِنَ الْعِزَّةِ قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ
هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ قَدْ رُوهَا تَأْكُلُ فِي
أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا سُوًهُ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ ﴿۷۲﴾

وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِن بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ
فِي الْأَرْضِ تَتَخِفُّونَ مِنْ سُهُولِهَا فَتُصَوِّرُ أَنتُمْ حَتَّى
تُجِبَالَ بَيِّنَاتٍ فَأَذْكُرُوا الْأُمَّةَ وَلَا تَعْتَوْنَ فِي الْأَرْضِ
مُفْسِدِينَ ﴿۷۳﴾

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِن قَوْمِهِ لِلَّذِينَ
اسْتَضَعُوا إِلَيْهِمْ أَمِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا
مُرْسَلٌ مِّن رَّبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ
مُؤْمِنُونَ ﴿۷۴﴾

معتقدانیم (۷۵) .

گفتند سرکشان هرآئینه ما بآنچه معتقد آن
شدید کافرانییم (۷۶) .

پس کشتند آن ماده شترا و تجاوز کردند
از فرمان پروردگار خویش و گفتند ای
صالح بیار ما آنچه وعیدی کنی ما را اگر
هستی از پیغامبران (۷۷) .

پس در گرفت ایشان راززله پس گشتند
مرده بزانو افتاده در سرای خویش (۷۸) .

پس صالح اعراض کرد از ایشان و گفت ای
قوم من رسانیدم به شما پیغام پروردگار
خود و نیک خواهی کردم برای شما ولیکن
دوست نمی دارید نیک خواهی کنندگان را
(۷۹) .

فرستادیم لوط را آن وقت که گفت بقوم
خود آیا می کنید آن بی حیاتی که پیش
از شما نکرده است آنرا هیچ کس از عالمها
(۸۰) .

هرآئینه شما میروید بشهوت بسوی مردان
بعجز زنان بلکه شما گروه مُسرفانید (۸۱) .

ونه بود جواب قوم او الا آنکه گفتند
بیرون کنید ایشان را زده خود هرآئینه
ایشان مردم پاکبگی طلب کننده اند (۸۲) .

پس نجات دادیم او را و اهل خانه
اورامگر زنش را که بود از باقی ماندگان
در آنجا (۸۳) .

و بارانیدم بر ایشان بارانی (یعنی از سنگ)
پس بنگر چگونه بود آخر کار گناهگاران
(۸۴) .

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنُكُمْ بِهِ
كِفْرُونَ ﴿٧٥﴾

فَعَمَّوَالثَّاقَةَ وَعَمَّا عَنِ امْرِئِيهِمْ وَقَالُوا
يُضِلُّهُمُ اتِّبَاعُ بَنَاتِنَا إِنَّ كُنْتَ مِنَ
الْمُرْسَلِينَ ﴿٧٦﴾

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثِيمًا ﴿٧٧﴾

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولَ رَبِّي
وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ فَيَمْسِكُ
بِكُمُ الْعَذَابُ بَلَدًا عَظِيمًا ﴿٧٨﴾

وَلَوْ طَآءِذًا قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ
بِهَآءِ مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿٧٩﴾

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ
بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ﴿٨٠﴾

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ
مِنْ قَرْيَتِكُمْ أَهُمْ أَنْتُمْ تَتَطَفَّرُونَ ﴿٨١﴾

فَأَنجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلا الْمُرْتَدَةَ وَكَانَتْ
مِنَ الْغَافِلِينَ ﴿٨٢﴾

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا قَاطِرًا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الْمُجْرِمِينَ ﴿٨٣﴾

و فرستادیم بسوی قوم مدین برادرایشان شعیب راگفت ای قوم من به پرستید خدارا نیست شمارا هیچ معبود برحق بجز او هر آئینه آمده است بشما دلیلی از پروردگار شما پس تمام کنید پیمانۀ و ترازو را و ناقص مدهید بمردمان اشیای ایشان را و فساد مکنید در زمین بعد اصلاح آن این کار که گفتیم بهترست شمارا اگر باوردارند گانید (۸۵) .

و منشینید به راه که بترسانید و بازدارید از راه خدا کسی را که ایمان آورده است باو و مجوئید برای آن راه کجی و یاد کنید آن وقت که شما اندک بودید پس بسیار گردانید شمارا و بنگرید چگونه شد آخر کار مفسدان (۸۶) .

و اگر هست گروهی از شما مومن بآنچه فرستاده شدم بآن و گروهی نا مومن پس صبر کنید تا آنکه فیصله کند خدا در میان ما و او بهترین حکم کنندگان است^(۱) (۸۷) .

گفتند آن اشراف که سرکشی کرده بودند از قوم او البته بیرون کنیم ترا ای شعیب و کسانی را که همراه تو ایمان آوردند از ده خود یا این که باز گردید در دین ما گفت آیا عود کنیم اگر چه

وَاللَّيْمَانِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ بِمَا يَكْفُرُونَ خَبِيرٌ
وَالَّذِينَ هُمْ يُعْتَقُونَ أَن لَّمْ يَخْسَرُوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُجَنَّبُهَا اللَّهُ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ أَلَّا يَخَسِرَ لَهُمُ أَمْوَالَهُمْ الَّتِي كَفَرُوا بِهَا أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرُبَاتِ الَّتِي كَانُوا يُكْفِرُونَ بِهَا وَهُمْ فِيهَا ضَالِّينَ لَمَّا كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُضْلَوْنَ
وَالَّذِينَ هُمْ يُعْتَقُونَ أَن لَّمْ يَخْسَرُوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُجَنَّبُهَا اللَّهُ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ أَلَّا يَخْسَرَ لَهُمُ أَمْوَالُهُمُ الَّتِي كَفَرُوا بِهَا أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرُبَاتِ الَّتِي كَانُوا يُكْفِرُونَ بِهَا وَهُمْ فِيهَا ضَالِّينَ لَمَّا كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُضْلَوْنَ ۝

وَلَا تَقْعُدُوا بِرَأْسِهَا وَإِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝
وَلَا تَقْعُدُوا بِرَأْسِهَا وَإِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝
سَبِيلَ اللَّهِ مَن يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مَدِينًا ۚ وَتَبِعُوا هَذَا حُجَّاجًا ۚ وَادَّكُرُوا
إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَرَّهْتُمْ وَأَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ
عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ۝

وَأَن كَانَ ظَلُوفُهُ مِمَّنْكُمْ مَنُوا بِاللَّهِ
أُرْسِلَتْ بِهِ ۚ وَظَلُوفُهُ لَمْ يَأْمُرُوا فَاصِرُوا حَتَّى
يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ۝

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِن قَوْمِهِ لَنُفِجَنَّكَ
يُسْعِيبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِن قَوْمِنَا أَتَعْتَدُونَ فِي بَيْنِنَا
قَالَ أَوْلَوْكَأ كُرْهِينَ ۝

(۱) یعنی واجب آن بود که همه متفق میشدند برایمان و چون متفق نه شدند منتظر فیصله کردن باشند والله اعلم .

ماناخواهان باشیم (۸۸) .

هرآئینه بر بسته باشیم بر خدا دروغی اگر بازگردیم در دین شما بعد از آنکه برهانید خدا مارا ازوی و هرگز لائق نیست مارا که عودکنیم در آن مگر آنکه خواهد خدا پروردگار ما احاطه کرده است پروردگار ما همه چیز ازوی دانش بر خدا توکل کردیم ای پروردگار ما فیصله کن در میان ما و در میان قوم ما برستی و توبهترین فیصله کنندگانی (۸۹) .

وگفتند آن اشراف که کافر بودند از قوم او بیارن خود اگر متابعت کنی شعیب را هرآئینه شما آهنگام زیان کار باشید (۹۰) .

پس در گرفت ایشان راززله پس صبح کردند در سرای خویش مرده برز انوفتاده (۹۱) .

آنانکه دروغ گویند داشتند شعیب را گویا نبودند آنجا، آنانکه دروغ گویند داشتند شعیب را ایشان بودند زیان کار (۹۲) .

پس برگردانید از ایشان و گفت ای قوم من رسانیدم به شما پیغام های پروردگار خود و نیک خواهی کردم برای شما پس چگونه اندوه خورم بر قوم کافران (۹۳) .

ونه فرستادیم در هیچ دیهی پیغامبری را مگر گرفتار کردیم اهل آنرا به سختی و رنج تا (بُود) که ایشان زاری کنند (۹۴) .

باز دادیم بایشان بجای محنت راحت را تا آنکه بسیار شدند و گفتند هرآئینه رسیده بود پدران ما را سختی

قَدِ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا نَعُدُّكَ فِي مَلِكِكُمْ بَعْدَ إِذْ جَدَدْنَا
اللَّهُ مَنَّهُ يَا وَيْلَتُونَ لَأَنَّا نَمُودُ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبَّنَا
وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْعَمْ بَيْنَنَا
وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ ﴿٨٨﴾

وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتَ شُعَيْبًا
إِنَّكَ إِذًا الْخَيْرُونَ ﴿٨٩﴾

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثِيمًا ﴿٩٠﴾

الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَأَن لَّمْ يَعْنُوا فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا
شُعَيْبًا كَأَن لَّمْ يَأْمُرُوا بِالْخَيْرِ ﴿٩١﴾

مَوَّلَىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَ قَوْمِ لَقَدْ أَبْتَغَيْتُمْ رِسَالَتِي
وَنَحَصْتُمُ لِمِثْلِهِ نَسِيتُمْ آلِيَ اللَّهِ عَلَىٰ قَوْمِ كُفْرًا ﴿٩٢﴾

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْأَسَاءِ
وَالْقَضَاءِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٩٣﴾

ثُمَّ بَدَّلْنَا لَمَمًا مِّنَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَّوْا وَقَالُوا قَد مَسَّ
أَبْرَارًا الْقَضَاءُ وَالشَّرَاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَعْتَةً وَهُمْ لَا شَعْرُونَ ﴿٩٤﴾

وراحت^(۱) پس گرفتیم ایشان را ناگهان
وایشان خبر نه داشتند (۹۵) .

وا گراهِلِ ده ها ایمان آوردندی
وپرهیزگاری کردند هر آینه می کشادیم
برایشان برکت هاز آسمان و زمین ولیکن
به دروغ نسبت کردند پس گرفتیم ایشان
را به وبال آنچه میکردند (۹۶) .

آیایمن شدند اهلِ ده ها از آنکه بیاید
عذاب مابایشان شبانگاه و ایشان خفته
باشند (۹۷) .

آیایمن شدند اهلِ ده ها از آنکه بیاید
بایشان عذاب موقت چاشت و ایشان
بازی میکنند (۹۸) .

آیایمن شدند از مکر خدا^(۲) پس ایمن نمی
شوند از مکر خدا مگر گروه زیان کاران
(۹۹) .

آیا واضح نه شد بر آنانکه وارث زمین می
شوند بعد از هلاک ساکنان آن زمین
که اگر خواست می عقوبت رسانید می
ایشان را بسبب گناهان ایشان و مهرمی
نهییم بردل های ایشان پس ایشان نمی
شنوند (۱۰۰) .

این ده ها را ذکر می کنیم پیش تو بعض
از خبرهایشان و هر آینه آمده بودند باهل

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ
مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم
بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۹۵﴾

أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ
نَافِلُونَ ﴿۹۶﴾

أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضَعْفَى
وَهُمْ يَلْعَبُونَ ﴿۹۷﴾

أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ؟ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ
الْخَاسِرُونَ ﴿۹۸﴾

أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ أَهْلِهَا
أَن لَّوْنَسَاءٌ أَصْنَبُهُمْ يَدُونَهُمْ وَيُطْبِعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ
قَوْمًا لَا يَتَفَعَّلُونَ ﴿۹۹﴾

تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَاءِهَا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ
رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِهَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ

(۱) یعنی عادت زمان است که گاهی سختی و گاهی راحت می باشد از باب
مؤاخذة براعمال نه بُود والله اعلم .

(۲) یعنی از تدبیر اهلک والله اعلم .

كَذَلِكَ يَطْمَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الْكَافِرِينَ ﴿١٠١﴾

آنها پیغمبران ایشان بامعجزه ها پس هرگز ایمان نیاوردند بآنچه تکذیب کرده بودند پیش از آن همچنین مهرمی نهد خدا بردل های کافران (۱۰۱) .

وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَإِنْ وَجَدْنَا

ونه یافتیم دراکثرایشان وفابعهد وهرآئینه یافتیم اکثرایشان رابدکار (۱۰۲) .

أَلْتَرَهُمْ لَفِيضِينَ ﴿١٠٢﴾

باز فرستادیم بعد ایشان موسی را به نشانه های خویش بسوی فرعون وقوم او پس کافر شدند بآن نشانه ها پس بنگرچگونه بود آخرکار مفسدان (۱۰۳) .

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمُ مُوسَىٰ يَا أَيُّهَا آلِ فِرْعَوْنَ وَيَا كَافِرِيهَا قَدْ أَنْظَرْنَاهُمْ كَانِ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٠٣﴾

و گفت موسی ای فرعون هرآئینه من پیغامبرم ازجانب پروردگار عالمها (۱۰۴) .

وَقَالَ مُوسَىٰ يُعْرَفُونَ إِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠٤﴾

سزاوارم بآنکه نه گویم بر خدامگر سخن راست، آورده ام به شما نشانه ازجانب پروردگار شما پس بفرست بامن بنی اسرائیل را (۱۰۵) .

حَقِيقٌ عَلَىٰ أَنْ لَا أَقُولُ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُمْ بِبَيِّنَةٍ

مِنْ رَبِّكُمْ فَاتَّبِعُوا مَعِيَ لِنَسُوخِ آيَاتِهِ يَوْمَ الْحُكْمِ ﴿١٠٥﴾

گفت ا گرآورده ای معجزه پس حاضرکن آن را ا گر هستی ازراست گویان (۱۰۶) .

قَالَ إِنْ كُنْتُمْ جِئْتُمْ بِآيَةٍ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا

الضَّالِّقِينَ ﴿١٠٦﴾

پس انداخت عصای خودرا پس ناگهان آن عصا ازدهای ظاهر شد (۱۰۷) .

فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثَمْبَانٌ مُبِينٌ ﴿١٠٧﴾

ویرون آورددست خودراپس ناگهان آن دست نورانی شد برای بینندگان (۱۰۸) .

وَتَرَعَبَ يَدَاهُ فَاذْهَبَ بِبَصَرِهِ لِنُظْرَتِ رَبِّهِ ﴿١٠٨﴾

گفتند اشراف ازقوم فرعون بایکدیگر هرآئینه این شخص ساحرداناست (۱۰۹) .

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا السَّاحِرُ عَلِيمٌ ﴿١٠٩﴾

می خواهد که بیرون کند شمارا اززمین شما پس چه می فرمائید (۱۱۰) .

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ فَأَمَّا أَتَمْرُونُ ﴿١١٠﴾

گفتند ای فرعون موقوف داراورا و برادر اورا و بفرست در شهرها نقیبان را

قَالُوا أَرْجَاهُ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ خَبِيرِينَ ﴿١١١﴾

(۱۱۱) .

يَأْتُونَكَ بِكُلِّ سِحْرٍ عَظِيمٍ ﴿۱۱۲﴾

وَحَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ كُنَّا لَمَكْرُوهًا إِن كُنَّا نَحْنُ
الْعَالِمِينَ ﴿۱۱۳﴾

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿۱۱۴﴾

قَالُوا يَبُوءُونَ بِآثَانِ ثُلُيٍّ وَإِنَّا لَنَكُونُ عَنَّا لَمُؤْمِنِينَ ﴿۱۱۵﴾

قَالَ أَلَمْ نَأْتِكُمْ قُلُوبًا فَكُنَّا أَهْلُ السَّحَرِ وَأَعْيُنِنَا لَيْسَ لَكُم مِّنْهُم
وَجَاءَ أَوْسَعِرَ عَظِيمٍ ﴿۱۱۶﴾

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ
مَا يَأْتِيكَونَ ﴿۱۱۷﴾

فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۱۸﴾

فَغَابُوا هُنَالِكَ وَانْقَابُوا صُغِيرِينَ ﴿۱۱۹﴾

وَأَلْقَى السَّحَرَةُ سِجِّدِينَ ﴿۱۲۰﴾

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۲۱﴾

رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿۱۲۲﴾

قَالَ فِرْعَوْنُ امْتَنُومُوا بِهِ قَبْلَ أَنْ أَدْنٰ لَكُمْ إِنَّ هٰذَا
لَمَكْرٌ مِّنْكُمْ لَعَنَةٌ فِي الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا مُسَوِّفَ
تَعَالَمُونَ ﴿۱۲۳﴾

تایارند پیش تو هر ساحر دانارا (۱۱۲) .
وآمدند ساحران پیش فرعون گفتند هر آئینه
مارا مزدی می باید اگر غالب شوم
(۱۱۳) .

گفت آری وهر آئینه شما از مقربان باشید
(۱۱۴) .

گفتند ای موسی! یابین است که نخست
تو افکنی یا ما با شیم اندازنده (۱۱۵) .
گفت موسی! شما افکنید پس آن هنگام که
افگندند بجادو بستند چشم های مردمان
را و برسانیدند ایشان را آوردند
جادوی بزرگ را (۱۱۶) .

ووحی فرستادیم بسوی موسی که بیفکن
عصای خود را پس ناگهان آن عصا فرو می
برد آنچه بدروغ اظهار میکردند (۱۱۷) .

پس ثابت شد حق و باطل شد آنچه می
کردند (۱۱۸) .

پس قوم فرعون مغلوب شدند آنجا و خوار
گشتند (۱۱۹) .

و انداخته شدند ساحران سجده کنان
(۱۲۰) .

گفتند ایمان آوردیم به پروردگار عالمها
(۱۲۱) .

پروردگار موسی و هارون (۱۲۲) .

گفت فرعون آیا ایمان آوردید بموسی پیش
از آنکه اجازت دهم شمارا هر آئینه این
تدبیر است که اندیشیده اید آنرا
در شهرت بیرون کنید ازین شهر ساکنان آنرا
پس خواهید دانست (۱۲۳) .

البته بپرّم دست های شمارا و پاهای شمارا بخلاف یکدیگر^(۱) باز بردار کشم شمارا همه یک جا (۱۲۴) .

گفتند هر آئینه مابوسی پروردگار خود رجوع کنندگانیم (۱۲۵) .

وانکار نمی کنی بر ما مگر آنکه ایمان آوردیم به نشانه های پروردگار خویش چون بیامدیم ای پروردگار ما بریز بر ما شکیبائی و قبض ارواح ما کن در حالیکه مسلمان باشیم (۱۲۶) .

وگفتند اشراف از قوم فرعون آیامی گذاری موسی و قوم او را تافساد کنند در زمین و تابگذار دعبادت ترا و معبودان ترا گفت خواهیم کشت پسران بنی اسرائیل را و زنده خواهیم گذاشت دختران ایشان را و ما برایشان غالبانیم (۱۲۷) .

گفت موسی بقوم خود مدد طلبید از خدا و صبر کنید هر آئینه زمین خدا راست او وارث می کند هر کرا خواهد از بندگان خویش و سرانجام خوب برای پرهیزگاران است (۱۲۸) .

گفتند ایذا داده شدیم پیش از آنکه بیائی نزدیک ما و بعد از آنکه آمدی نزدیک ما گفت امید است که پروردگار شما هلاک کند دشمن شمارا و خلیفه گرداند شمارا در زمین پس بنگرد چگونه عمل می

لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأَسْلِبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿۳۳﴾

قَالُوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ﴿۳۴﴾

وَمَا تَنْقُمُونََنَا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَنَا رَبَّنَا أَنْفِرْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوْفِقًا مُسْلِمِينَ ﴿۳۵﴾

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنَ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُسُونِي وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذُرْكُمُ الْهَتَّاءُ قَالَ سَفَقْتُ لْأَبْنَاءَهُمْ وَكَسَبْتَنِي فِئْسَاءَهُمْ وَإِنَّا لَنُؤْتِيهِمْ فِهْرُونَ ﴿۳۶﴾

قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿۳۷﴾

قَالُوا أَوَإِذْ نِتْمُونُ قَبِيلٍ أَنْ تَأْتِينَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَلَى رَبِّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوُّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرْ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿۳۸﴾

(۱) یعنی دست راست و پای چپ والله اعلم .

کنید (۱۲۹) .

وهرآئینه گرفتار کردیم کسان فرعون را
بقحط ها و به نقصان میوه ها تا شود که
ایشان پندپذیرند (۱۳۰) .

پس چون آمدی بایشان فراخی گفتندی
این لائق ماست و اگر برسیدی بایشان
سختی شگون بد گرفتندی موسی و کسانیکه
باوی بودند آگاه باش جزاین نیست که
شگون بدایشان نزدیک خداست ولیکن
بیشتر از ایشان نمی دانند^(۱) (۱۳۱) .

و گفتند کسان فرعون ای موسی هر چه
بیاری آن را از نشانه ها تا سحر کنی مارا بدان
پس مانیستیم ترا باوردارنده (۱۳۲) .

پس فرستادیم برایشان طوفان و ملخ و
کنه (شپش) و غوکها (قورباغها) و خون
نشانه های واضح کرده شده پس سرکشی
کردند و بودند قوم گناهگاران (۱۳۳) .

و وقتی که فرود آمد برایشان عقوبت گفتند
ای موسی دعاکن بجناب پروردگار
خودبان اسماء و ادعیه که وحی کرده
است نزدیک توا گرزائل کنی از ما عقوبت
را البته معتقد شویم ترا و به فرستیم باتو
بنی اسرائیل را (۱۳۴) .

پس چون زائل کردیم از ایشان عقوبت
راتامدتی که ایشان رسند گانند بان
نا گهان عهدی شکستند (۱۳۵) .

وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالنَّبِيِّينَ وَفَضَّلْنَا
الْغَنِيَّاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿۱۳۰﴾

فَإِذَا جَاءَهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَئِن لَّبَدَأْنَا بِهِ إِنْ
نُصِبُوا بِهِمْ سَيِّئَةٌ يُظَاهِرُوا فِيهِمْ وَهُمْ فِي اللَّهِ
وَالْكَافِرِينَ أَكْثَرُ لَعَلَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۱۳۱﴾

وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لَتَسْحَرْنَا بِهَا
كَمَا سَحَرْنَا إِيَّاهُمْ وَنَحْنُ بِآيَاتِهِمْ يَوْمِنِينَ ﴿۱۳۲﴾

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ
وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا
وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ﴿۱۳۳﴾

وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا لِمَ يُؤْتَىٰ
أُدْرُكُنَا رَبُّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ
لَئِنْ كُنْتُمْ عَلَيْنَا لَرَجْزٌ لِّتُؤْمِنُوا لَكَ
وَلَتُرْسَلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿۱۳۴﴾

فَلَمَّا كُتِبْنَا عَلَيْهِمُ الرِّجْزَ إِلَىٰ أَجَلٍ
هُم بِلِغْوِهِ إِذَا هُمْ يَنْتَقِبُونَ ﴿۱۳۵﴾

(۱) یعنی مواخذه اعمال برایشان است والله اعلم .

پس انتقام گرفتیم از ایشان پس غرق کردیم ایشان را در دریا بسبب آنکه ایشان دروغ می‌پنداشتند آیاتِ ما را بودند از آن بی‌خبر (۱۳۶) .

و میراث دادیم گروهی را که ضعیف شمرده می‌شدند مشارق و مغارب زمینی که برکت نهادیم در آن^(۱) راست شد وعدهٔ نیک پروردگارتو بر بنی اسرائیل بسبب آنکه صبر کردند و خراب کردیم آنچه ساخته بود فرعون و کسان او و آنچه برمی‌افراشتند (۱۳۷) .

و گذرانیدیم بنی اسرائیل را از دریا پس آمدند بر گروهی که مجاورت می‌کردند بر بتان خویش گفتند (بنی اسرائیل) ای موسی! بساز برای ما معبودی چنانکه ایشان را هستند معبودان گفت هر آئینه شما گروهی هستید که نادانی می‌کنید (۱۳۸) .

هر آئینه این جماعت باطل کرده شده است مذهبی که ایشان درآند و باطل است آنچه می‌کردند (۱۳۹) .

گفت موسی! آیا غیر خدا طلب کنم برای شما معبودی و اوفضل داده است شمارا بر عالمها (۱۴۰) .

و یاد کنید نعمتِ ما چون نجات دادیم شمارا از کسان فرعون می‌رسانیدند به شما عقوبتِ سخت می‌کشتند پسران شمارا و زنده می‌گذاشتند دختران شمارا

فَأَنْتَعَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ يَأْتُهُمُ كَذِبًا
يَأْتِينَا وَكَانُوا عَلَيْهَا غَفِيلِينَ ﴿١٣٦﴾

وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ
الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ
الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ ۚ هَٰذَا صَبْرٌ وَإِدْرَارٌ
مَا كَانَ يُصَنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا لَيَعْرِشُونَ ﴿١٣٧﴾

وَجُودًا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَىٰ قَوْمٍ يَعْطِفُونَ
عَلَىٰ آصْنَانِهِمْ قَالُوا أَيُّ لُؤْيُسَىٰ اجْعَلْ لَنَا آلَهُمَا كَمَا آلَهُمُ
الْهَمَةُ قَالُوا قَوْمٌ يَجْهَلُونَ ﴿١٣٨﴾

إِنَّ هَٰؤُلَاءِ مَثَرٌ مَّا هُمْ فِيهِ وَيَطِلُ مَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ ﴿١٣٩﴾

قَالَ اعْبُدُوا اللَّهَ أَبِيكُمْ الْهَادِيَهُمْ فَصَلُّوا عَلَى
الْعَالَمِينَ ﴿١٤٠﴾

وَإِذْ أَنْجَيْنَاكَ مِنَ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُم بِسُوءِ الْعَذَابِ
يَقْتُلُونَ أَبْنَاءَكُم وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُم وَفِي ذَٰلِكُمْ
بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُم عَظِيمٌ ﴿١٤١﴾

(۱) یعنی زمین شام بایشان دادیم چه بقعه های شرقیه و چه بقعه های غربیه والله اعلم.

ودرین مقدمه آزمایش بزرگ بود از جانب پروردگار شما (١٤١) .

ووعده کردیم باموسی سی (٣٠) شب وتمام کردیم آن میعاد را بده شب پس کامل شد میعاد پروردگار او چهل شب و گفت موسی به برادر خود هارون جانشین من باش در قوم من وصلاح کاری کن وپیروی منما راه تباه کاران را (١٤٢) .

وچون آمد موسی بوعده گاه ما وسخن گفت با او پروردگار او گفت ای پروردگار من بنما بمن خویشتن را تا نظر کنم بسوی تو گفت خدا نخواهی دید مرا ولیکن نظر کن بسوی کوه پس اگر قرار گیرد بجای خود خواهی دید مرا پس وقتیکه ظهور کرد پروردگار او بر آن کوه گردانید آن کوه را زمین هموار ساخته وافتاد موسی بی هوش شده پس چون به هوش آمد گفت به پاکی یادمی کنم ترا باز گشتم بسوی تو ومن اول مسلمانانم (١٤٣) .

گفت ای موسی هر آئینه من برگزیدم ترا بر مردمان به پیغام های خود و به شنواییدن سخن خود پس بگیر آنچه عطا کردم ترا و باش از شکر کنندگان (١٤٤) .

و نوشتم برای موسی در لوح ها از هر جنس برای پند و برای بیان هر چیز پس گفتیم بگیر آنرا به قوت و بفرما قوم خود را تا عمل کنند به بهترین آنچه دروست^(١) خواهم

وَوَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَّمْنَا بَعَثَرَةَ لَيْلَةٍ
وَبِغَاثِ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ
هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ
الْمُفْسِدِينَ ﴿٣٠﴾

وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِبِيعَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي
أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرِيكَ وَلَكِنْ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ
فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ نَرِيكَ فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ
لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكَاةً وَكَرَّمُوسَى صَوْعًا فَلَمَّا أَفَاقَ
قَالَ سُبْحَانَكَ نُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٣١﴾

قَالَ يُوسُفُ إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَتِي وَ
بِكَلَامِي ۖ فَخُذْ مَا آتَيْنَاكَ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿٣٢﴾

وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا
لِكُلِّ شَيْءٍ ۖ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَا أُخْتُو
بِأَحْسَنِهَا وَسَأُورِيكَ دَارَ الْغَابِطِينَ ﴿٣٣﴾

(١) یعنی بعزیمت دادن رخصت والله اعلم .

نمودشمارا سرای گناه گاران^(۱) (۱۴۵).
 بازخواهم داشت از تأمل در آیات
 خودکسانی را که تکبر می کنند در زمین
 ناحق و گربه بینند هر نشانه که هست
 ایمان نیارند و اگر بینند راه راستی راه
 نگیرند آن را و اگر بینند راه گمراهی را
 راه گیرند آن را این به سبب آن است که
 ایشان دروغ پنداشتند آیاتِ مارا و از آن
 غافل ماندند (۱۴۶).

و کسانی که دروغ پنداشتند آیاتِ مارا
 و دروغ پنداشتند ملاقاتِ آخرت را نابود
 شد عمل های ایشان جزا داده نه شوند الا
 بآنچه می کردند (۱۴۷).

و ساختند قوم موسیٰ بعد رفتنش از زیور
 قبطیان گوساله بدنی که او را آواز گاو بود
 آیند دیدند که آن گوساله بایشان هیچ سخن
 نمی گفت و دلالت نمی کرد ایشان را به
 هیچ راه معبود گرفتند آن را و ایشان
 ستمگار بودند (۱۴۸).

و چون نادم شدند و دیدند که ایشان گمراه
 شدند گفتند اگر مهربانی نکند بر ما
 پروردگار ما و نیامزد ما را البته باشیم
 از زیان کاران (۱۴۹).

و چون باز آمد موسیٰ بسوی قوم خود
 خشمناک شده اندوهگین گشته گفت بد
 جانشینی است جانشینی که کردید پس

سَأَصْرَفُ عَنْ الْبَنِيِّ الَّذِينَ يُكْفُرُونَ فِي الْأَرْضِ بِعَيْبِهِ
 الْحَقِّ وَإِنَّ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَإِن يَرَوْا
 سَبِيلَ الرَّشَادِ لَا يَجِدُوهُ سَبِيلًا وَإِنَّ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ
 يَجِدُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا
 عَنْهَا غَافِلِينَ ﴿١٤٦﴾

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءَ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ
 أَعْيُنُهُمْ هَلْ يُعْجِرُونَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤٧﴾

وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَدْعِهِمْ عِجْلًا جَدِيدًا
 لَهُمْ خُوَافٌ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يَكْلِمُهُمْ وَلَا يُهْدِيهِمْ سَبِيلًا
 لَئِن كَانُوا ظَالِمِينَ ﴿١٤٨﴾

وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا
 لَئِن لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ
 الْخَاسِرِينَ ﴿١٤٩﴾

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا
 خَلَفْتُمُونِي مِن بَدْعِي إِذْ جَاءَكُمْ أَمْرٌ رَبِّي وَاللَّيْلِ أَلْوَاخَ

(۱) یعنی منازل فرعونیان خراب شده خواهید دید .

وَآخِذْ بِرَأْسِ الْجِبْرِتِ الْيَهُودِ قَالَ ابْنُ أَمْرِئِ الْقَوْمِ
اسْتَعْصَفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُحِبُّتَنِي الرَّضَاءُ
وَلَا يُعَلِّفُنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿١٥٠﴾

از من آیشتاب کردید از حکم پروردگار
خویش و انداخت الواح را و گرفت موسی
سربرادر خود را می کشیدش بسوی خود
گفت هارون ای پسر مادر من هر آئینه این
قوم ضعیف شمردند مرا و نزدیک بودند
که بکشند مرا پس شادمکن بسبب اهانت
من دشمنان را و شمارمکن مرا با گروه
ستمگاران (۱۵۰) .

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِإِسْحَاقَ وَأَمْخَلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ
أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ ﴿١٥١﴾

گفت موسی ای پروردگار من بیامرز مرا
و برادر مرا و داخل کن ما را در بخشایش
خود و تو بخشاینده ترین بخشایندگانی
(۱۵۱) .

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وِذْلَةٌ
فِي السُّعُودِ الدُّنْيَا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ ﴿١٥٢﴾

هر آئینه کسانی که معبود گرفتند گوساله را
خواهد رسید باین جماعت خشمی از
پروردگار ایشان و رسوائی در حیات دنیا
و هم چنین جزای دهیم افترا کنندگان را
(۱۵۲) .

وَالَّذِينَ عَلِمُوا النَّبَايَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَآمَنُوا
إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٥٣﴾

و هر آئینه کسانی که گناه ها کردند باز توبه
نمودند بعد از آن گناهان و ایمان آوردند
البته پروردگار تو بعد از توبه آمرزنده
مهربان ست (۱۵۳) .

وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبَ أَخَذَ الْوَاوِحَ فِي شَحْنَتِهَا
هُدًى وَرَحْمَةً لِلَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ يَهْتَدُونَ ﴿١٥٤﴾

و چون ساکن شد خشم از خاطر موسی
گرفت الواح را و در مکتوب وی هدایت
بود و بخشایش آنان را که ایشان از
پروردگار خود می ترسند (۱۵۴) .

وَلَخَاتَمَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِيُقَابَلَهُمْ أَقْلًا أَخَذَهُمْ
الرَّجْعَةَ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلِ وَرَأَى أَنَّهُ لَكُنَّا

و اختیار کرد موسی از قوم خود هفتاد کس
برای میعاد ما^(۱) پس وقتی که گرفت ایشان

(۱) یعنی تا عذر گویند از عبادت گوساله و این جماعت اگر چه عبادت نکرده بودند =

رازله گفت موسیٰ ای پروردگار من اگر می خواستی پیش ازین ایشان را ومرا هلاك می كردی^(۱) آیا هلاك می كنی مارا بجزای آنچه كردند بی خردان از قوم مانیست این حادثه مگرامتحان تو گمراه می كنی بآن هر كراخواهی و راه می نمائی بآن هر كراخواهی تو كارساز مائی پس بیامرز مارا ومهربانی كن بر ما وتوبهترین آمرزندگانی (۱۵۵) .

وبنویس (یعنی مقدركن) برای ما درین دنیا نیکی ودر آخرت نیز نیکی هراتینه ما رجوع كردیم بسوی تو گفت خدا عذاب من می رسانمش بهره خواهم ومهربانی من احاطه كرده است هر چیزی را پس خواهم نوشت (رحمت كامله خود را)^(۲) برای كسانیکه پرهیزگاری میکنند و زكوة میدهند و كسانیکه ایشان بآیات مامعتقد می شوند^(۳) (۱۵۶) .

(خواهم نوشت رحمت اخرویه) برای آنانکه پیروی می کنند آن پیغامبر را که نبی امی است آنکه می یابند نعت اونوشته نزدیک خویش در تورات وانجیل می

بِمَا فَعَلَ الشُّعْرَاءُ وَمَتَّأْنَ إِذْ هِيَ الْاِفْتِنَانُ تَقُولُ بِهَا مَنْ
تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ اَنْتَ وَاِلَيْنَا قَاغُورُنَا وَاَرْصِنَا
وَاَنْتَ حَيُّ الْغَفُورِينَ ﴿١٥٥﴾

وَكَتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ اِنَّا
هَذَا نَالِيكَ قَالَ عَدَانِي اُصِيبُ بِهِ مِنْ اَسَاءَةٍ وَرَحْمَتِي
وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَمَا كَذِبُ الَّذِيْنَ يَتَّقُوْنَ وَيُؤْتُوْنَ
الزَّكٰوةَ وَالَّذِيْنَ هُمْ بِاٰلِيْنَا يُؤْمِنُوْنَ ﴿١٥٦﴾

اَلَّذِيْنَ يَكْتُمُوْنَ الرَّسُوْلَ النَّبِيَّ الَّذِي الَّذِي
يَجِدُوْنَ مَكْتُوْبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْاِنْجِيْلِ
يَاْمُرُهُم بِالْمَعْرُوْفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ

= بر عبادت کنندگان انکار هم نکردند پس خدای تعالی هلاك ساخت والله اعلم.

(۱) یعنی اگر در بنی اسرائیل هلاك می شدند تهمت قتل بر موسیٰ نه نهادندی
والله اعلم .

(۲) یعنی در آخرت .

(۳) یعنی فساکتبه آنست که در آخر زمان رحمت خاص باشد بمتابعان نبی امی
والله اعلم .

فرماید ایشان را بکارپسنديده و منع می کند ایشان را از ناپسنديده و حلال می سازد برای ایشان پاکیزه هارا و حرام می کند برایشان ناپاکیزه هارا و ساقط می کند از ایشان بارگران ایشان را و آن مشقت هارا که بود برایشان پس آنانکه ایمان آوردند با او و تعظیم کردند او را و یاری دادند او را و پیروی کردند نوری را که همراه وی نازل کرده شده است ایشانند در ستگاران^(۱) (۱۵۷) .

بگو ای مردمان هرآئینه من پیغامبر خدایم بسوی شما همه یکجا، آن خدا او راست پادشاهی آسمان ها و زمین نیست هیچ معبود برحق مگر اوزنده می کند و می میراند پس ایمان آرید به خدا و به پیغامبر او که نبی امی است آنکه تصدیق می نماید خدا را و سخنان او را و پیروی کنید او را تا بؤد که شما راه یاب شوید (۱۵۸) .

و از قوم موسی گروهی هست که دلالت می کنند مردمان را براه راست و بر راستی حکم می کنند (۱۵۹) .

و متفرق ساختیم بنی اسرائیل را به دوازده قسم قبیله قبیله گروه گروه و وحی فرستادیم بسوی موسی وقتی که آب

لَهُمُ الطَّيِّبَاتُ وَبَعَّرْنَا عَلَيْهِمُ النَّجِيذَاتِ وَبَضَعْنَا عَنْهُمْ
إِصْرَهُمْ وَأَثْقَلْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذَلَّلْنَا الَّذِينَ
آمَنُوا بِهِمْ وَعَجَّرْنَا أَعْيُنَهُمْ وَنَسَوْنَ آيَاتِنَا
الَّذِينَ أَنْزَلْنَا مَعَهُ آيَاتِنَا هُمْ لَمُتْلِحُونَ ﴿١٥٧﴾

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا
يَأْتِيكُمْ لَهُ مَلَكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَأَرْسِلَ إِلَيْكُمْ
رُسُومًا فَأَمُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأَخِي
الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥٨﴾

وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْتَدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ
يَعْبُدُونَ ﴿١٥٩﴾

وَقَطَعْنَا لَهُمُ السَّمَوَاتِ عَشْرَةَ آسَمَاطٍ أَمَا وَاوْحَيْنَا إِلَى
مُوسَى إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ
فَاتَّخَذَتْ مِنْهُ سَبْعَ مِائَةِ عَشْرَةَ صِيْفًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ

(۱) مترجم گوید بشارت دادن خدای تعالی حضرت موسی را و به امت مرحومه اول دلیل است بر نبوت آنحضرت و لهذامی فرماید واللہ اعلم .

خواستند از وی قوم وی که بزنی بعضای خود سنگ را پس روان شد از آن سنگ دوازده چشمه بدانست هر گروهی آب خور خود را و سایرین ساختیم برایشان ابر را و نازل کردیم برایشان من و سلوی را گفتیم بخورید از پاکیزه های آنچه روزی داده ایم شما را و ایشان بر ما ستم نکردند ولیکن بر خویشان ستم می کردند (١٦٠).

و یادکن چون گفته شد ایشان را که ساکن شوید درین دیه و بخورید ازین دیه هر جاکه خواسته باشید و بگوئید حطه و داخل شوید به دروازه سجده کنان تا بیامرزیم برای شما گناهان شما را زیاده خواهیم داد نکو کاران را (١٦١).

پس بدل کردند ستمگاران از بنی اسرائیل سخنی غیر آنچه فرموده شد ایشان را پس فرستادیم برایشان عقوبتی از آسمان بسبب آنکه ستم می کردند (١٦٢).

و سوال کن (یا محمد) یهود را از حال دیهی که بود ساکن بر لب دریا چون از حد می گذشتند در روز شنبه و قتیکه می آمد ماهیان به ایشان ظاهر شده روزیکه ایشان به تعظیم شنبه مشغول می شدند و روزیکه تعظیم شنبه نمی کردند نمی آمدند ایشان را همچنین آزمودیم ایشان را بسبب آنکه فسق میکردند^(١) (١٦٣).

مَشْرَبِهِمْ وَكَذَلِكَ عَلَيْنَا الْقَبَامُ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ
الْمَنَ وَالسَّلْوَى كُلًّا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ
وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١٦٠﴾

وَأَذَقْنَا لَهُمْ اسْمَأُودِيَةَ الْغُرَيَّةِ وَكُلَّوْا مِنْهَا
حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا
نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَتَكُمْ سَيِّئًا الْمُحْسِنِينَ ﴿١٦١﴾

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ
لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجًّا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا
كَانُوا يَظْلِمُونَ ﴿١٦٢﴾

وَسَأَلْنَاهُمْ عَنِ الْقُرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةً
الْبَحْرَ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ
يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّاءَ يَوْمٍ لَا يَسْتَيْتُونَ وَلَا تَأْتِيهِمْ
كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٣﴾

(١) مترجم گوید اهل دیه سه قسم بودند قسمی شکار میکردند و قسمی از آن نهی می =

و یادکن چون گفت گروهی از اهل آن دیه^(۱) چراپند میدهد گروهی را که خدای تعالی هلاک خواهد کرد ایشان را یا عذاب خواهد کرد ایشان را عذاب سخت گفتند تا مار اعذری باشند نزدیک پروردگار شما و تا باشد که ایشان پرهیزگاری کنند . (۱۶۴) .

پس وقتی که فراموش کردند آنچه بآن پند داده شد ایشانرا نجات دادیم کسانی را که منع میکردند از کار بد و گرفتار کردیم ستمگاران را به عذاب سخت به سبب آنکه فاسق بودند (۱۶۵) .

پس چون تکبر کردند از ترک آنچه منع کرده شد ایشان را از آن گفتیم ایشانرا شوید بوزینگان خوار شده (۱۶۶) .

و یادکن چون آگاه گردانید پروردگارتو^(۲) که البته بفرستد برایشان تاروز قیامت کسی را که برساند بایشان عقوبت سخت هر آئینه پروردگار تو زود عقوبت کننده است و هر آئینه او آمرزنده مهربان است^(۳) (۱۶۷) .

و پراکنده کردیم بنی اسرائیل را در زمین گروه گروه بعضی از ایشان شائسته کارانند و بعضی از ایشان سوی اینند و امتحان

وَأَذَقْنَا لِقَاءَ آثَمِهِمْ لَعْنَهُمْ لَمْ يَخْفَوْنَ قَوْمًا لَّيْلَةً مِّمَّا هُم بِهِمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعذِرَةٌ لَّنَا إِلَى رَبِّنَا وَعَلَّامٌ يُخْفُونَ ﴿۳۷﴾

فَلَمَّا كَسَبُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَجْمَعًا الَّذِينَ يَبْهَوْنَ عَنِ السُّوْءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَیِّنٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿۳۸﴾

فَلَمَّا عَاوَا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿۳۹﴾

وَأَذِّنْ لِقَاءِ رَبِّكَ لِیَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَبُوءُ لَهُمْ سَوَاءَ الْعَذَابِ إِنْ رَّبُّكَ لِسَرِيعِ الْعِقَابِ ۖ وَإِنَّهُ لَْعَاقِبَةُ ذُنُوبِهِمْ ﴿۴۰﴾

وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا مِّنْهُمْ الضَّالِّحُونَ وَمِنْهُمْ دُونُ ذَلِكَ وَبَلَّوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿۴۱﴾

= کردند و قسمی نه شکاری کردند و نه از آن منع میکردند و الله اعلم .

(۱) یعنی قسم ثالث نبی کنندگان را و الله اعلم .

(۲) یعنی بنی اسرائیل را .

(۳) بعد ازین هیچ پادشاهی در بنی اسرائیل پیداننده، همیشه لگدکوب پادشاهان اسلام و نصاری و مجوس می بودند و الله اعلم .

کردیم ایشانرا به نعمت هاومشقت ها تابازگردند یعنی بسوی راه راست (١٦٨) .
 پس ازپی درآمدند بعد ازایشان جانشینان بدکه وارث تورات شدند^(١) اختیاری می کنند متاع این عالم خسیس را ومی گویند آمرزیده خواهد شدبرای ما و اگر بیاید متاعی مانند آن البته بگیرندآن را^(٢) آیا گرفته نه شده است برایشان آن عهد که در تورات است که نگویند برخدا مگرسخن راست وخوانده اند آنچه درتورات است و سرای آخرت بهتراست پرهیزگاران را آیا نمی فهمید (١٦٩) .

وآنانکه تمسک می کنند به کتاب وبرپاداشتند نمازرا هرآئینه ماضائع نمی سازیم مزداین نکوکاران را (١٧٠) .

ویادکن چون برداشتیم کوه را بالای ایشانگویای سائبان است وگمان کردند که آن کوه خواهد افتاد برایشان گفتیم بگیریدآنچه دادیم شمارا بجدتمام ویادکنید آنچه دروست تابودکه شما درپناه باشید از عذاب (١٧١) .

ویادکن چونگرفت پروردگار توازبنی آدم ازپشت ایشان اولاد ایشان را^(٣) وگواه

فَخَلَعْنَا مِنْهُمُ حُلُوفًا وَرِجًا لِيُكْتَبَ بِهَا خُذُوا الْكِتَابَ يَا خُدُونَ عَرَضَ
 هَذَا الْأَرْضِ وَيَقُولُونَ سَيْفُهُ لَنَا وَإِن يَأْتِهِمْ عَرَضٌ وَشَلَّةٌ
 يَأْخُذُوا أَلَمْ يُجْعَلْ عَلَيْهِمْ نَبِيًّا أَن لَّا يَقُولُوا عَلَى
 آدُو إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَاللَّهُ الْأَخْرَجُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ
 يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٦٨﴾

وَالَّذِينَ يُتَّبِعُونَ يَأْخُذُوا الْكِتَابَ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُنْفِئُهُمْ
 أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ ﴿١٦٩﴾

وَأَذِّنْنَا الْجِبَلِ لِقَوْمِهِمْ كَمَا كُنَّا ظِلَّةً وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ
 حُدُودًا مَا آتَيْنَاهُمْ بِقُوَّةٍ وَأَدْرَأُوا مَا فِيهِ لَعْنًا لِمَن تَعْمُونَ ﴿١٧٠﴾

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ

(١) یعنی احباربنی اسرائیل .

(٢) یعنی مصراندربراختادن و غیر نادم اند ازان وتوبه مصرغیر نادم صحیح نیست والله اعلم .

(٣) یعنی روزمیتاق ازآدم اولاد او را پیدا کرد از ایشان اولاد ایشانرا به ترتیبی که =

گردانید ایشان را بر ذات ایشان گفت آیانیستم پروردگار شما گفتند آری هستی گواه شدیم، این شاهد گرفتن برای احتراز از آن است که بگوئید روز قیامت هر آئینه ما بی خبر بودیم ازین توحید (۱۷۲) .

یابگوئید که بجز این نیست که شرك آورده بودند پدران ما پیش از ما و مانسلی بودیم آمده بعد از ایشان^(۱) آیا هلاک می کنی ما را به عقوبت آنچه بدکاران کردند (۱۷۳) .
وهم چنین بیان می کنیم نشانه ها و تاباز کردند (۱۷۴) .

و بخوان برایشان خبر کسی که داده بودیم اورا علم آیات خود پس بیرون رفت از علم آن آیات^(۲) پس در پی او شد شیطان پس گشت از گمراهان^(۳) (۱۷۵) .
و اگر می خواستیم برداشتمی اورا^(۴) به سبب این آیات ولیکن میل کرد بسوی پستی و پیروی خواهش خود کرد پس صفت او مانند صفت سگ است اگر مشقت اندازی بروی^(۵) زبان ازدهن

ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتَ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنَّا نَقُولُوا لِرَبِّنَا يُقِيمُ الْقِيَمَةَ إِنَّا نَكُفِّرُ عَنْ هَذَا غُفْلِينَ ﴿۱۷۲﴾

أَوْ تَقُولُوا لِمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِن قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْمَلُكُمَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ﴿۱۷۳﴾

وَكَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ الْأَيَّاتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿۱۷۴﴾

وَأَنزَلْنَا عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ الْإِنشَاءَ فَانسَلَخْنَا مِنْهَا قَلْبَهُ فَإِذَا هُوَ مِنَ الضَّالِّينَ ﴿۱۷۵﴾

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَا بِهَا وَالِدًا وَآلًا لَّأَنزَلْنَا إِلَى الْأَرْضِ مِن تَحْتِهَا أَهْلًا مُّجْتَمِعِينَ لِنَعْلَمَ لِكُلِّ فِتْنَةٍ مَّا وَعَدْنَاهُ وَإِنَّا مُتَّبِعُونَ ﴿۱۷۶﴾

= درخارج متحقق شد والله اعلم .

- (۱) یعنی پس تقلید ایشان کردیم .
- (۲) یعنی تابع شهوات نفس شد و تابع شهوات نفس را عالم نه توان گفت .
- (۳) یعنی بلعم باعور که کتب الهی خوانده بود بعد از آن باغوازی زن خود ایزدی حضرت موسی علیه السلام قصد کرد و ملعون شد والله اعلم .
- (۴) یعنی منزلت اورا .
- (۵) یعنی بزدن و دو انیدن .

بیرون افگند و اگر بگذاری اورانیز بیرون افگند این صفت گروهیست که دروغ شمرند آیات مارا پس بخوان برایشان این پندهارا تا ایشان تأمل کنند (۱۷۶) .

باعتبار صفت بدانند این قوم که دروغ شمرند آیات مارا و برخویشتن ستم می کردند (۱۷۷) .

هر که را خدا راه نمایدش پس همانست راه یابنده و هر که گمراه سازدش پس آن جماعت ایشانند زیان کاران (۱۷۸) .

وهر آئینه بیافریدیم برای دوزخ بسیاری از جنیان و آدمیان، ایشانرا دلهاست که نمی فهمند بآن و ایشان را چشم هااست که نمی بینند بآن و ایشان را گوشها است که نمی شنوند بآن ایشان مانند چهارپایان اند بلکه ایشان گمراه تراند، ایشانند بی خیران (۱۷۹) .

و خداراست نام های نیک پس بخوانید اورا بآن نام ها و بگذارید آنانرا که کجروی می کنند در نام های خدا^(۱) داده خواهد شد مرایشان را جزای آنچه می کردند (۱۸۰) .

و از آن جماعت که پیدا کرده ایم گروهی هست که دلالت می کنند بدین حق و بآن دین حق عدل می کنند (۱۸۱) .

و کسانی که دروغ پنداشتند آیات مارا پایه

بِآيَاتِنَا فَاقْصِصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١٧٦﴾

سَاءَ مَثَلًا لِّلْقَوْمِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِآيَاتِنَا وَاَنْفُسُهُمْ كَانُوْا يَظْلِمُوْنَ ﴿١٧٧﴾

مَنْ يَهْدِ اللّٰهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِىْ وَمَنْ يُضِلّْ فَلَا وَلِيَّكَ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ﴿١٧٨﴾

وَلَقَدْ دَرَأْنَا لِحَبِيْهِمْ كَيْبًا مِّنَ الْبِيْنِ وَاَلَيْسَ لَهُمْ قُلُوْبٌ لَّا يَفْقَهُوْنَ بِهَا وَاَلَيْسَ لَهُمْ اَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُوْنَ بِهَا وَاَلَيْسَ اَذَانٌ لَّا يَسْمَعُوْنَ بِهَا وَاَلَيْسَ كَاللَّذٰلِحٰرِ اِنْ هُمْ اَصْلٌ اَوْ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿١٧٩﴾

وَيَلِلِ الْاَسْمَاءِ الْحُسْنٰى فَادْعُوْهُنَّ بِهَا وَذُرُوْا الَّذِيْنَ يُلْحِدُوْنَ فِيْ اَسْمَائِهٖمْ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿١٨٠﴾

وَمِمَّنْ خَلَقْنَا اُمَّةً يَهْتَدُوْنَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْبُدُوْنَ ﴿١٨١﴾

وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ

(۱) یعنی ابو المسیح و ابو الملائکه می گفتند .

لَا يَمْلِكُونَ ﴿٣٧﴾

وَأَمِلَ لَهُمُ الرَّاكِبِينَ ﴿٣٨﴾

أُولَئِكَ يَنْفَكُوا مَا يُصَاحِبُهُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٣٩﴾

أُولَئِكَ يَنْظُرُونَ فِي مَكْرُوبَاتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ إِلَيْهِمْ هَيْبَةُ رَبِّهِمْ فَيُدْعُوهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ فَيَنْسَبُونَ ﴿٤٠﴾

مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلا هَادِيَ لَهُ ۗ وَيَذُرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿٤١﴾

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسِمُهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُحِيطُ بِهَا بَشَرٌ مِمَّنْ سَمِعَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَعَثَ فِيهِ مَنْ يُخَبِّرُ ۗ كَذَّبْتُمْ عَنْهَا قُلُوبًا إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَر النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٢﴾

پایه بکشیم ایشان را (تا عمل هلاك) از آنجا که ندانند (١٨٢) .

ومهلث دهم ایشان را، هر آئینه تدبیر من محکم است (١٨٣) .

آیاتامل نه کردند که نیست این هم نشین ایشانرا هیچ دیوانگی، نیست اومگر بیم کننده آشکارا (١٨٤) .

آیا نظر نکردند به پادشاهی خدا در آسمان ها و زمین و در آنچه خدا پیدا کرده است از هر چیز و آیا نظر نه کردند در آن که شاید نزدیک شده باشد اجل ایشان پس بکدام سخن بعد قرآن ایمان خواهند آورد (١٨٥) .

هر که گمراه سازدش خدا پس هیچ راه نماینده نیست او را و می گذارد ایشان را خدا در گمراهی خویش سرگردان شده (١٨٦) .

سوال می کنند ترا از قیامت که کی باشد استقرار او بگو جز این نیست که علم قیامت نزدیک پروردگار من است پدید نیارد او را در وقت اومگر خدا، گران شده است^(١) در آسمانها و زمین نباید به شما مگر ناگهان سوال می کنند ترا از قیامت گویا تو کاوش کننده ای از آن^(٢) بگو جز این نیست که دانش او نزدیک

(١) یعنی مشکل شده است دانستن قیامت .

(٢) یعنی عالمی بان .

خداست ولیکن بسیاری از مردمان نمی دانند (۱۸۷) .

بگو نمی توانم برای خود نفع رسانیدن و نه ضرر کردن مگر آنچه خدا خواسته است و اگر من دانستمی علم غیب را هر آینه بسیار جمع کردمی از جنس منفعت و نه رسیدی بمن هیچ سختی، نیستم من مگر بیم کننده مژده دهنده برای گروهی که ایمان دارند (۱۸۸) .

اوست آنکه پیدا کرد شمارا از يك شخص و پیدا کرد از آن يك شخص زنش را تا آرام گیرد باوی^(۱) پس چون جماع کرد مردی با زن خود بار گرفت باری سبک پس آمدورفت کرد بان بارسبک بعد از آن چون زن گران بار شد هر دو دعا کردند بجناب پروردگار خویش که اگر فرزندی شائسته به دهی ما را باشیم از شکر کنندگان (۱۸۹) .

پس چون داد خدای تعالی ایشان را فرزندی شائسته مقرر کردند برای او شریکان در آنچه داده بود بایشان پس بلند قدر است خدا از آنچه شريك مقرر میکنند^(۲) (۱۹۰) .

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١٨٧﴾

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَشَابَهَا حملت حَمَلًا كَفِيفًا قَمَرْتُمْ بِهِ فَلَمَّا أَنْفَجَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهَا لَعْنُ أَنْ تَبْتَئَا صَالِحًا كَلْتَلُونَ مِنْ الشَّاكِرِينَ ﴿١٨٨﴾

فَلَمَّا أَنْشَأُوا صَالِحًا جَعَلَهُ لِيُشْرَكَ إِيَّاهُ رَبِّهَا إِنَّهَا قَتَلَتْ اللَّهَ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٨٩﴾

- (۱) " فلما تغشها " کلام علیحده است یعنی خدای تعالی آدم و حوا را پیدا کرد و از ایشان نسل بسیار پیدا آورد بعد از آن تفصیل انتشار نسل می فرماید .
- (۲) مترجم گوید این تصویر است حال آدمی را که نزدیک ثقل حمل نیت اخلاص درست کند و چون فرزند بوجود آید آن را فراموش سازد و در تسمیه اشراک کند منطبق بر حال حوا چنانکه در حدیث صحیح آمده که حوا حامله شد شیطان بدلش =

أَيْبُرُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلِقُونَ ﴿۱۳۱﴾

آیا این مشرکان شریک مقرر می کنند چیزی را که هیچ نمی آفریند و خود این شریکان آفریده می شوند (۱۹۱) .

وَلَا يَسْتَبِيحُونَ لَهُمْ صَرَافًا وَلَا أَنفُسَهُمْ يَصُدُّونَ ﴿۱۳۲﴾

و نمی توانند برای پرستندگان خود یاری دادن و نه خود را یاری می دهند (۱۹۲) .

وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يُبْعَثُوهُمْ سِوَا آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَعَوْتُهُمْ أَمْرًا تَصَامِتُونَ ﴿۱۳۳﴾

و اگر بخوانید بتان را بسوی راه هدایت پیروی نکنند شمارا^(۱) برابر است بر شما آنکه دعوت کنید ایشان را یا خاموش باشید ای مشرکان (۱۹۳) .

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادًا أَمْثَلُكُمْ قَدْ عَوْهُمْ فَلَيْسَ بِجَبِّوَا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۱۳۴﴾

هر آینه کسانی که عبادت می کنید ایشان را بجز خدا بندگاند مانند شما پس بخوانید ایشان را و باید که قبول کنند دعای شمارا اگر راست گوهستید (۱۹۴) .

أَلَمْ نَرِجُلًا يَمْسُورُ بِهَا أَمْ لَمْ أَلْبِسْهُمُ بِهَا أَمْ لَمْ أَعِزُّ بِبِعُورٍ بِهَا أَمْ لَمْ أُدْعُوا شُرَكَاءَهُمْ تَكْفِيْدُونَ فَلَا تَنْظُرُونَ ﴿۱۳۵﴾

آیا بتان را پاهاست که راه می روند بآن آیا ایشان را دست هاست که تناول میکنند بآن آیا ایشان را چشم ها است که می بینند بآن آیا ایشان را گوشهاست که می شنوند بآن بگوا مشرکان بخوانید شریکان خود را بعد از آن تدبیر کنید در حق من و مهلت مدهید مرا (۱۹۵) .

إِنَّ دَلِيلَ اللَّهِ الْإِنْسَانُ لَرَكِيبٌ مِّمَّنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَهُ الْكَلِمَاتُ الْأُولَىٰ وَالظَّالِمِينَ ﴿۱۳۶﴾

هر آینه کارساز من خداست آنکه فرود آورد کتاب را و او کارسازی می

= سواس انداخت و چون فرزند متولد شدند او عبدالحارث مقرر کرد و چون وجود جمیع قیود در امثال این مواضع ضرور نیست آدم از لوث شرك مبر باشد و این آیت عصمت او را مصادمت نکند کذا فهمت و ازینجا دانسته شد که شرك در تسمیه نوعیست از شرك چنانکه اهل زبان ما غلام فلان و عبد فلان نام می نهند . (۱) یعنی اگر بگوئید بخورید یا پاشا می دهیج کار نکنند .

کندنیکوکاران را (۱۹۶) .

وآنانکه می خوانید ایشان را بجز خدا نمی
توانند یاری دادن شمارا ونه خودرا یاری
می دهند (۱۹۷) .

واگر دعوت کنید ایشان را بسوی راه
هدایت نه شنوند سخن شمارا وای بیننده
می بینی بتان را که می نگرند بسوی
تو و حال آنکه ایشان هیچ نمی بینند
(۱۹۸) .

لازم گیر درگذر را و بفرما بکار پسندیده
و اعراض کن از نادانان (۱۹۹) .

واگر باز دارد ترا و سوسه بازدارنده
از جانب شیطان آمده پس پناه طلب کن
از خدا هر آئینه او شنوا دانا است (۲۰۰) .

هر آئینه متقیان چون برسدا ایشان را
و سوسه از شیطان یادمی کنند خدارا پس
ناگهان ایشان بینامی شوند (۲۰۱) .

و برادران کافران^(۱) می کشند ایشان را در
گمراهی سپس باز نمی ایستند (۲۰۲) .

و چون نمی آری نزدیک ایشان آیتی می
گویند چرا از طرف خود اختیار نکردی او را
بگو جز این نیست که پیروی می کنم بآنچه
فرود آورده شده است بسوی من از
پروردگار من این قرآن نشانه ها است
آمده از پروردگار شما و هدایت و بخشاش

وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا
أَنْفُسَهُمْ يَصُدُّونَ ﴿٩٥﴾

وَأَنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَيْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يُنظَرُونَ إِلَيْكَ
وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿٩٦﴾

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ ﴿٩٧﴾

وَإِنِّي لَأُبْرئُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغًا فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ
سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٩٨﴾

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا
فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ﴿٩٩﴾

وَإِخْوَانُهُمْ يَبُدُّوهُمْ فِي الضَّلَالَةِ لَئِيْفُ يُضِلُّوهُمْ ﴿١٠٠﴾

وَإِذْ أَلَمْ تَأْتِهِمْ بآيَةٌ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتُمَا قُلْ إِنَّمَا آتَيْتُمَا
مَا يَوْجِبُ إِلَيَّ مِنَ رَبِّي هَذَا بَصَافِيرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَهَدَى
رَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١٠١﴾

(۱) یعنی قرینان ایشان از شیاطین والله اعلم .

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۲۳﴾

وَأَذِّنْ لِرَبِّكَ فِي نَفْسِكَ نَضْرًا عَازِجَةً وَدُونَ
الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ
مِنَ الْغَافِلِينَ ﴿۲۴﴾

إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ
وَيَسْتَعِينُونَ وَ لَهُ يُسْجَدُونَ ﴿۲۵﴾

است مرقوم مومنان را (۲۰۳) .
وچون خوانده شود قرآن پس گوش نهید
بسوی آن و خاموش باشید تا مهربانی کرده
شود بر شما (۲۰۴) .

و یادکن پروردگار خود را در ضمیر خود
بزاری و ترسکاری و یادکن پروردگار
خود را به کلام پست تر از بلند آوازی
بامداد و شبانگاه و مباحث از غافلان (۲۰۵) .
هر آئینه کسانی که نزدیک پروردگار تواند^(۱)
سر کشی نمی کنند از عبادت او و بیایگی
یاد میکنند او را و بتخصیص او راسجده می
کنند (۲۰۶) .

سوره انفال مدنی است و آن هفتاد و
پنج آیت و ده رکوع است



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا

بنام خدای بخشاینده مهربان .
می پرسند ترا از غنیمت ها^(۲) بگو غنیمت

(۱) یعنی ملاء اعلی .

(۲) سوره انفال در قصه بدر فرود آمده است در آیات این سوره اشارت بوقائع این
غزوه واقع شده از آن جمله آنست که مسلمانان در غنیمت مباحثه میکردند آنانکه
غارت کرده بودند خواستند که تنها بر آن متصرف شوند دیگران خواستند که علی
السویه قسمت شود خدای تعالی نازل ساخت که متصرف و مختار در غنائم خدا
و رسول اوست و دیگری را درین باب دخل نیست آنچه اهل جاهلیت می کردند
از استیثار غارت کننده به غنیمت باطل است بعد از آن حکم فرمود که غنیمت
را پنج قسم باید کرد چهار قسم در میان غانمان قسمت کنند و یکی در بیت المال
نگاهداشته به تصرف آن رسانند و این تصرف حق است و عطای اوست بغير دخل
غارت کنندگان پس آیه " قل الانفال لله والرسول " محکم است غیر منسوخ .